

داستان پیامبران

نوشته: علی موسوی گرمارودی

بهاء الدین خرمشاهی

قرآن کریم، نسبت به حجمش که در حدود اناجیل اربعه موجود و فی المثل دیوان حافظ است، احتمالاً پر موضوع ترن کتاب در حوزه تمدن اسلامی است و به برکت همین پر موضوعی و پرمحتوایی است که تمدن ساز و فرهنگ آفرین بوده است و یکی از عظیم ترین تمدنهای بشری، یعنی تمدن اسلامی را (با گونه های ایرانی، مصری، مغربی، اندلسی و غیره) بنا نهاده و اداره کرده و پیش برده و تا پایان جهان پیش خواهد برد.

مضامین اصلی و در هم تنیده قرآن کریم، عبارتند از:

۱. اشاره به وقایع تاریخی (غزوات، هجرت رسول الله(ص) و نظایر آن).
۲. قصص انبیاء و حکایات دیگر، از آدم (ع) تا خاتم(ص).
۳. اندیشه توحیدی و دعوت به اسلام و ایمان.
۴. نهی از شرک و نفاق.
۵. معاد شناسی و توصیف عوالم آخروی و حیات پس از مرگ و تصویر بهشت و اعراف و دوزخ، حتی زندگی برزخی و عوالم پس از مرگ و پیش از قیام قیامت.
۶. فرشته شناسی. شامل بحث درباره شیطان و شیاطین و جن.
۷. احکام فقهی. از شیر دادن فرزندان گرفته، تا بحث درباره حیض، تا تقسیم غنائم و فیء و انفال، تا انواع حدود و قصاص و دیات و انواع مسائل مربوط به ارث و نظایر آنها.
۸. احکام و توصیه های اخلاقی، اعم از وعظ و ارشاد و انواع امر به معروف و نهی از منکر.

۹. توجه دادن به آیات الهی و شگفتیهای آفاق و انفس، که شباهت به برهان نظم یا اتقان صنع دارد.

۱۰. اشاره به شرایع پیشین و کتب و صحایف آسمانی.

۱۱. داستان آفرینش و خلقت انسان، و انسان شناسی روان شناسانه.

حاصل آن که: تنوع و تعدد موضوعات و مضامین قرآن مجید، تا به حدی است که «فهرست موضوعی قرآن» که فقط سر عنوانهای موضوعی را به نظم الفبایی، اشاره به نام سوره و شماره آیات (یعنی بدون نقل آیات قرآنی) در بر دارد، حجمش به اندازه خود قرآن است (فرهنگ موضوعی قرآن مجید [= الفهرس الموضوعی للقرآن الکریم]، تدوین کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی؛ همچنین فهرس المطالب تدوین شادروان محمود رامیار).

در میان این همه موضوعات ریز و درشت که همه کون و مکان و پهنه حیات انسان و کتاب آفرینش الهی را در بر می گیرد، درنسخ غریب و معجزه گونه قرآن کریم که خطی نیست و تک مضمونی و مانند سایر کتابها پیش نمی رود، بلکه حلقوی و خوشه ای و چند صدایی است (و از آثار بشری دیوان حافظ و مثنوی مولانا متأثر از آن و تا حدودی دارای شباهت ساختاری با آن هستند) یک آهنگ خوشنوی سراسری، گاه پیدا و گاه پنهان، گاه گسسته و گاه پیوسته تکرار می شود و آن قصص قرآن است که اعم از قصص انبیاء است. به این شرح که: هر قصه پیامبری مانند قصه نوح، هود یا ابراهیم، علیهم السلام، جزو قصص قرآن است، ولی هر قصه قرآنی، از جمله قصه قارون یا لقمان یازید، جزو قصص انبیاء نیست.

از صدر اول اسلام، یا حتی از زمان نزول وحی مخاطبان قرآن کریم، توجه خاصی به قصص قرآنی یا قصص انبیاء پیشین نشان می داده اند و دو پدیده نیز، در همین زمینه، در همان صدر اول رخ نموده است:

یکی از آنها، کوشش یکی از مشرکان مکه، به نام نضر بن حارث بود که مردی جهانپسند و اگر طنز آمیز نباشد، «ایران شناس» بود. یعنی هم به ایران سفر کرده بود و هم به احتمال فارسی می دانست و در شناخت قصص و اساطیر ایرانی دست داشت و می کوشید که در برابر جاذبه عظیم و به خیال او سحر گونه قرآن کریم، مقاومت کند و در جهت نفی حکمت از آن برآید.

و برای انصراف خاطر کسانی که مجذوب قرآن می شدند، داستانهای رستم و اسفندیار و داستانهایی از ایران باستان که بعدها در «شاهنامه» مدون شد، برای

آنان می خواند که به تعبیر قرآن کریم «لهو الحدیث» (داستان سرگرم کننده و بی پایه و آکنده از اساطیر و خرافات) بود (درباره او، انعام، ۱۱۲؛ انفال، ۳۶؛ اِسراء، ۹۰؛ حج، ۸، ۳؛ فرقان، ۴؛ ولقمان، ۲۰ یعنی هم آیات را ملاحظه فرمایید و هم شرح و توضیح آنها را در تفاسیر کهن مانند تفسیر ابو الفتوح رازی و میبیدی و طوسی و طبرسی).

پدیده نضربن حارث نشان می دهد که داستانهای قرآن در دل مخاطبان نفوذ داشته است.

پدیده دیگر، نقل و حکایات اهل کتاب مخصوصاً یهودیان اسلام آورده معاصر پیامبر (ص) علی الخصوص (کعب الاحبار، وهب بن منبه، و عبدالله بن سلام) بود که برای شرح و بسط دادن به قصص قرآن، از مآثورات یا مسموعات خود، به عنوان تفسیر استفاده می کردند که به «اسرائیلیات» معروف و بعضی از محققان و قرآن پژوهان به آنان توجه کامل دارند و بعضی بر عکس، در باره آنها به کلی بدگمانند و بر آنند که این گونه اخبار، افسانه آمیز، غیر تاریخی و غیر انتقادی، تفاسیر مسلمانان را آلوده کرده است. به نظر می رسد که باید با «اسرائیلیات» با احتیاط و انتقاد علمی مواجه شد و رد و یا قبول افراطی آنها زیانبار است. اما تلقی انتقادی می تواند مفید باشد. («اسرائیلیات» در دایرة المعارف تشیع) از دیر باز، سه گروه از محققان مسلمان به قصص قرآنی توجه شایان مبذول داشته اند.

۱. قرآن پژوهان، مخصوصاً: مفسران.

۲. محدثان، اعم از اهل سنت یا شیعه.

۳. مورخان. چنانکه فی المثل مسعودی یا طبری یا ابن کثیر در تواریخ خود قصص

انبیاء، علیهم السلام، را هم گنجانیده اند.

و رفته رفته از قرون چهارم - پنجم به بعد، کتابهای خاص داستان پیامبران، اعم از عربی و فارسی، از سوی نویسندگان مذاهب مختلف اسلامی، پدید آمده است. پس از تواریخ، کهن ترین منابع قصص انبیاء، عبارتند از «عرائس المجالس فی قصص الانبیاء» اثر ابواسحاق احمد ثعالبی (م: ۴۲۷ ق). «قصص الانبیاء» کسای، «قصص الانبیاء» نیشابوری (به فارسی)، همچنین قصص مندرج در دل تفاسیر، از تفسیر طبری گرفته تا تفسیر سور آبادی (که قصص آن جداگانه به کوشش استادان: یحیی مهدوی و مهدی بیانی چاپ و تجدید چاپ شده است) و تفسیر میبیدی و تفسیر ابو الفتوح رازی که آقای دکتر عسگر حقوقی، در مجلد سوم کتابی به نام: «تحقیق در

تفسیر ابوالفتوح رازی» همه داستان پیامبران را که در این تفسیر موجود است، به نحو منسجم و یکپارچه گرد آورده است. دیگر از آثار قرآن پژوهان شیعه «قصص الانبیاء» قطب الدین راوندی است، که اخیراً به همت آقای غلامرضا عرفانیان یزدی تصحیح شده است. مصحح دانشور این اثر، در مقدمه تصحیح خود، ۱۷۴ کتاب را، که همه در زمینه قصص قرآنی و قصص انبیاء است، معرفی کرده است. اما از آن جا که این فهرست مفصل، کامل نبوده است آقای محمد علی هاشم زاده، فهرست کامل تری به نام: «استدراك کتابشناسی قصه های قرآن» در شماره ۲۰ نشریه ارجمند «آینه پژوهش» به طبع رسانده است که ۴۰۵ اثر را معرفی کرده است. گفتنی است که این مقاله پر بار نه است درك به کتابشناسی ۱۷۴ فقره ای آقای عرفانیان، بلکه مستدرک و تکمله ای است بر مقاله: «راهنمای پژوهش در داستانهای قرآن» اثر آقای مهدی م. خراسانی که در شماره ۱۵ همان نشریه به طبع رسیده است، ولی در حکم مستدرک اثر اول هم به شمار می آید. همچنین سرکار خانم فرشته مولوی «کتابشناسی قصص انبیاء» را در شماره چهارم از سال پنجم (۱۳۶۷) «کیهان فرهنگی» منتشر کرده است. جای آن دارد که نشریه قرآنی «بینات» از یکی از محققان همکار خود بخواهد که این کتابشناسیهای چهارگانه را تلفیق و ادغام کند و یک کتابشناسی جامع، که احتمالاً کمتر از ۵۰۰ فقره نخواهد بود، از قصص قرآنی فراهم آورد که راهنمای محققان امروز و فردا و باقیات صالحات خواهد بود.

در عصر جدید هم، قرآن پژوهان به تدوین آثار ارجمندی در زمینه قصص قرآن یا قصص انبیاء پرداخته اند که برای نمونه می توان از «قصص قرآن»، تألیف صدر الدین بلاغی، «اعلام قرآن»، اثر شادروان محمد خزائلی در بر دارنده شرح حال همه شخصیتهای قرآنی، اعم از انبیای عظام الهی و دیگران است. یاد کرد. همچنین آثار دیگری در همین زمینه داریم، از جمله: «تاریخ انبیاء»، تألیف و ترجمه سید محمد باقر موسوی و علی اکبر غفاری که ترجمه و توسعه و تهذیب «قصص القرآن»، اثر معروف و بارها چاپ شده محمد احمد جاد المولی [و دیگران] است.

آثاری هم که در زمینه بحث و تحلیل قصص قرآنی است (و نه شامل خود قصص) بسیار است از جمله: «الفن القصصی»، اثر دکتر خلف الله؛ «القصص القرآنی»، از خطیب؛ «بحوث فی قصص القرآن» اثر سید عبدالحافظ عبدربه. همه به عربی و اثر استادان ادیب و قرآن پژوه مصری و یک اثر جدید الانتشار، به نام «دراسات فنیة فی قصص القرآن» اثر استاد محمود بستانی، که به عربی نوشته شده و از سوی بنیاد

پژوهشهای اسلامی در مشهد مقدس منتشر گردیده و در چند سال پیش در رشته علوم قرآنی، به عنوان کتاب سال اعلام شده و بحمد الله به همت همان ناشر، به فارسی نیز ترجمه و منتشر گردیده است.

قصه های قرآنی، با قصه های عادی و عرفی انسانی هم شباهتهای بسیار و هم تفاوتهای بسیار دارد. فی المثل قصه های قرآنی، همه حق و صدق و راست و درست است و هیچ کدام حاصل تخیل و برساخته نیست. اما با داستانهای واقعی و واقع گرایانه بشری فرقه های عمده دارد. فی المثل در داستانهای قرآنی جز آن که تخیل راه ندارد، اغراق و اطناب و زمینه سازی زمانی و مکانی و طرح و توطئه های ادبی و نظایر آن نیز راه ندارد. حتی داستانهای قرآنی توالی و تسلسل ظاهری ندارد و غالباً تلمیحات به گوشه ای از زندگی و سوانح عمری انبیای الهی در چند آیه به عمل می آید و این گونه تلمیحات و اشارات، در سراسر قرآن کریم گسترده است و به ندرت يك داستان، از آغاز تا انجام، در يك سوره می آید. استثناهای معروف، یعنی بیان سراسری، عبارت است از داستان حضرت یوسف (ع) و برادرانش که به صورت یکپارچه سراسر سوره یوسف را در بر می گیرد.

بعد از آن، تا حدودی به این موارد می توان اشاره کرد. که البته به اندازه داستان یوسف (ع) یکپارچه یا مفصل نیستند: داستان حضرت موسی (ع) در سوره طه، داستان داود (ع) در سوره ص و داستان سلیمان (ع) در سوره نمل، و داستان نوح و هود (ع) در سوره هود. ولی فی المثل داستان یونس (ع) در سوره یونس، حتی به اندازه چند آیه هم نیست. و داستان ابراهیم (ع)، فقط در سوره ابراهیم نیست و در سوره ابراهیم فقط داستان ابراهیم (ع) نیست، بلکه مضامین و قصص دیگری هم هست و بقیه و بلکه عمده داستان ابراهیم را باید در سوره بقره و سوره های دیگر یافت. اشاره به ابراهیم (ع) در پانزده سوره قرآن، پراکنده است. یا همچنین داستان موسی (ع) در بیست و یک سوره پراکنده است. دیگر از تفاوتهای داستانهای قرآنی با داستانهای بشری، در اهداف آنهاست که هدف قرآن سرگرمی یا حتی ایجاد خط هنری به تنهایی نیست، بلکه انذار و اعتبار (عبرت گرفتن) و بیان اصول و احکام و نتایج اخلاقی است. همچنین تسلی دادن به حضرت رسول (ص)، تا بداند که انبیای عظام الهی، چه رنجها کشیده اند و چه بی مهریها دیده اند.

و همچنان نستوه و شکست ناپذیر در سراسر عمر خویش در راه مأموریت غیبی و قدسی خویش کوشیده اند و حتی شهادت را به جان خریدار بوده اند و نظایر این.

نیز می توان گفت: سرگذشت اقوام و امم پیشین نیز، به نوعی سنن الهی و فلسفه تاریخ الهی را باز می نمایند و نشان می دهد که اتراف یا استکبار، بطر و بی ایمانی و فساد اخلاقی، چه بسیار اقوام را به کام نابودی کشیده است و نظایر این درس و عبرتها و حکمتها.

دنباله این بحث را به نحوی جامع و منسجم، با بیان امتیازات و تمایزات قصص قرآنی، باید در مقدمه پربار ادیب و قرآن پژوه فرزانه معاصر، آقای سید علی موسوی گرمارودی، در کتاب ارجمندشان «داستان پیامبران»، از آدم تا حضرت محمد(ص)، پی گرفت. این کتاب، در حدود ۳ ماه پیش انتشار یافت و راقم سطور، با اشتیاق و آفری که به آثار قرآن پژوهی دارد، آن را به مطالعه گرفت، و هنوز ساز خود را برای نوشتن این معرفی اجمالی کوه نکرده بود که چاپ دوم این اثر، که نشانگر حسن استقبال اهل نظر بود، انتشار یافت. اثر استاد گرمارودی جزو شیرین ترین و شیواترین و در عین حال مستند ترین و قرآنی ترین مجموعه های قصص پیامبران است و نویسنده سخن شناس و هنرمند آن، روایت بی سابقه و خوشخوانی از قصه هر یک از انبیای الهی با حفظ ادب بحث و ادب نفس و ادب شرع و طبعاً زدودن هر داستان از شاخ و برگهای نادرست و اسرائیلیات ناروا (البته اسرائیلیات روا هم داریم) و مراعات عصمت پیامبران و شخصیت قدسی و اخلاقی آنان، به دست داده اند. به نحوی که کوچکترین منافاتی با نصوص قرآنی و نیز تفسیرهای معتبر و طراز اول اسلامی، مخصوصاً شیعی، ندارد. و افزایشهای هنری و ادبی ایشان در مواردی است که هم قرآن کریم و هم تفاسیر در آن زمینه ها سخنی ندارد. فی المثل در تصویر کردن زیبایی صوری هابیل، چنانکه از سیرت اخلاقی او بر می آید و منفی تصویر کردن سیمای قابیل، چنانکه از شخصیت و سیرت اخلاقی منفی او بر می آید و نظایر این که منافاتی با مسلمت اعتقادی ندارد و فقط برای امروزی سازی و هنری تر نمودن و جاندارتر تصویر کردن قصه ها به کار گرفته شده است و استقبالی که در همین زمان کوتاه از این اثر به عمل آمد، نشان داد که مؤلف فرزانه و متعهد این اثر، در انتخاب مشی و برداشتهای خود صائب و موفق بوده اند. این اثر، نشر مشترک معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انتشارات قدیانی است و حروفچینی و چاپ و صحافی آراسته ای دارد. این کتاب به نیازی راستین، جوابی راستین می دهد. امید است حضرت حق، جل و علا، آن را به قبول حسن بپذیرد.